

## Structural Relationships between Attachment Style and Psychological Distress: Mediating Role of Cognitive Emotion Regulation

Akhavan-Abiri, F., Shairi, \*M.R., Gholami-Fesharaki, M.

### Abstract

**Introduction:** Given the role of insecure attachment in psychological distress and the effects of emotion regulation on psychological disorders, the aim of current research was to investigate the contribution of cognitive emotion regulation in explaining the relationship between attachment style and psychological distress.

**Method:** The study sample included 300 B.A and M.D students of Shahed University. Instruments for the study were Depression, Anxiety and Stress Scale (DASS-21), Experiences in Close Relationships Questionnaire (ECR-R) and the short form of Cognitive Emotion Regulation Questionnaire (CERQ-S). The extracted data analyzed by SPSS-23 and AMOS-18 softwares.

**Results:** The findings were shown significant positive relationships between attachment anxiety and the components of psychological distress, anxiety, depression and stress, and maladaptive emotion regulation. Both Structural Equation Modeling (SEM) and Sobel's test confirmed the mediating role of maladaptive emotion regulation in the relationship between attachment anxiety and the components of psychological distress.

**Conclusion:** The findings confirmed the mediating role of maladaptive emotion regulation in the relationship between attachment anxiety and the components of psychological distress. Hence the foregoing variables could be attended in the interpersonal relationships, educational, familial and therapeutic domain.

**Keywords:** attachment, psychological distress, cognitive emotion regulation, structural equation modeling (SEM).

## روابط ساختاری سبک دلبستگی با پریشانی روان‌شناختی: نقش واسطه‌ای تنظیم شناختی هیجان

فاطمه اخوان‌عبیری<sup>۱</sup>، محمدرضا شعیری<sup>۲</sup>، محمد غلامی‌فشارکی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۶/۲۶ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۰۴

### چکیده

**مقدمه:** با توجه به نقش دلبستگی ناایمن در تحول و تداوم پریشانی روان‌شناختی و تأثیر تنظیم هیجان بر مشکلات و اختلالات روان‌شناختی، هدف پژوهش حاضر، واریسی سهم تنظیم شناختی هیجان در تبیین رابطه بین سبک دلبستگی و پریشانی روان‌شناختی بود.

**روش:** نمونه مورد مطالعه، دربرگیرنده ۳۰۰ نفر از دانشجویان کارشناسی و دکتری حرفه‌ای مشغول به تحصیل در دانشگاه شاهد بود. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش شامل مقیاس اضطراب، افسردگی و استرس (DASS-21)، پرسشنامه تجارب مربوط به روابط نزدیک (ECR-R) و فرم کوتاه پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان (CERQ-S) بود. داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS-23 و AMOS-18 مورد تحلیل قرار گرفتند.

**یافته‌ها:** نتایج نشان داد که بین اضطراب دلبستگی با مؤلفه‌های اضطراب، افسردگی و استرس و نیز تنظیم غیرانطباقی هیجان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. یافته‌های برآمده از معادلات ساختاری و آزمون سوبل بیانگر تأیید نقش واسطه‌ای متغیر تنظیم غیرانطباقی هیجان در رابطه بین اضطراب دلبستگی و مؤلفه‌های پریشانی روان‌شناختی بود.

**نتیجه‌گیری:** یافته‌های پژوهش حاضر، نقش واسطه‌ای متغیر تنظیم غیرانطباقی هیجان را در رابطه بین اضطراب دلبستگی و مؤلفه‌های پریشانی روان‌شناختی نمایان ساخت. بدین‌سان می‌توان در گستره روابط بین‌فردی، تربیتی، خانوادگی و درمانی به متغیرهای یادشده توجه نمود.

**واژه‌های کلیدی:** دلبستگی، پریشانی روان‌شناختی، تنظیم شناختی هیجان، مدل‌سازی معادلات ساختاری.

## مقدمه

پیشانی روان‌شناختی<sup>۱</sup> اصطلاحی است که به توصیف روان‌آسیب‌شناسی عمومی<sup>۲</sup> فردی با مجموعه‌ای از نشانه‌های افسردگی، اضطراب و استرس ادراک شده می‌پردازد (۱). پیشانی روان‌شناختی به مفهوم عمومی کنش‌وری روان‌شناختی غیرانطباقی<sup>۳</sup> در سطح رخدادهای تنش‌زای زندگی اشاره دارد (۲). از این‌رو، می‌توان گفت پیشانی روان‌شناختی یک وضعیت هیجانی منحصربه‌فرد و ناراحت‌کننده برای یک فرد در پاسخ به یک عامل تنش‌زا یا نیاز خاص است که به آسیب‌گذرا یا همیشگی برای وی منتهی می‌شود (۳). پیشانی روان‌شناختی نسبت به اختلال روان‌شناختی که به طبقات تشخیصی بالینی باز می‌گردد، دلالت بر سطحی غیر اختصاصی از روان‌آسیب‌شناسی دارد (۴) و به‌عنوان پاسخ هیجانی نابهنجار به عوامل تنش‌زا تعریف می‌شود. پیشانی روان‌شناختی به‌عنوان یکی از نشانه‌های تشخیصی، در صورت همراه شدن با سایر نشانه‌ها، معیارهای تشخیصی یک اختلال روانی را پوشش می‌دهند (۵). از این جهت، با شدتی کمتر از یک اختلال روان‌شناختی، در حوزه‌های مختلف عملکرد فرد تداخل ایجاد می‌کند (۶). بیان دقیق میزان شیوع<sup>۴</sup> پیشانی روان‌شناختی به‌دلیل تنوع مقیاس‌هایی که آن را می‌سنجند، دشوار است (۵)؛ با این حال، با توجه به شدت کمتری که پیشانی نسبت به اختلالات روانی دارد، همه‌گیری بیشتری بر آن در نظر گرفته شده است.

در پیشینه پژوهشی، پیشانی روان‌شناختی همراه با متغیرها و سازه‌های گوناگون روان‌شناختی هم‌چون استرس ادراک شده (۷)، حمایت اجتماعی ادراک شده (۸)، نشخوار ذهنی (۹)، صفات شخصیت (۱۱)، فرزندپروری ادراک شده (۱۲) و سبک دلبستگی (۱۳-۱۶) واری شده است. در میان متغیرهای یادشده، دلبستگی به‌دلیل تأثیر پایداری که بر عملکرد روان‌شناختی (۱۷) و شکل‌گیری نشانه‌های پیشانی روان‌شناختی مانند اضطراب (۱۸) دارد، در پژوهش حاضر در رابطه با پیشانی روان‌شناختی مورد مطالعه قرار گرفت.

دلبستگی نوعی پیوند هیجانی پایدار میان کودک در حال تحول و کسی است که وظیفه مراقبت از او را به‌عهده دارد (۱۹). به‌اعتقاد بالبی، دلبستگی بر تحول اجتماعی و عملکرد روان‌شناختی در طول عمر تأثیر می‌گذارد (۱۷). در این

نظریه، اضطراب و رابطه آن با دلبستگی مادر و نوزاد جایگاه ویژه‌ای دارد و شکل‌گیری اضطراب در کودکی مبتنی بر فرآیند شکل‌گیری دلبستگی تعیین می‌شود (۱۸). در توصیف دلبستگی، دسته‌بندی‌های مختلف، سبک‌های متفاوتی را نشان داده‌اند. در یک دسته‌بندی، برنان و همکاران (۲۰) دو جنبه اضطراب و اجتناب را برای دلبستگی نایمن توصیف می‌کنند. جنبه اضطراب در دلبستگی از نظر برنان و همکاران، به‌عنوان الگوی تمرکز بر دیگران، به‌میزانی از نگرانی شخص اشاره دارد که معطوف به دسترس‌ناپذیر بودن دیگران برای وی یا ترس از ترک و رها شدن می‌باشد. در مقابل، جنبه اجتناب به‌عنوان الگوی تمرکز بر خود، به دفاعی و طردکننده بودن فرد، عدم درگیری وی در روابط و عقب‌نشینی عاطفی اشاره دارد. به‌تعبیری، میزان تمایل فرد به تحدید صمیمیت و ترجیح عدم وابستگی روان‌شناختی و عاطفی به دیگران، بیان‌گر اجتنابی بودن است (۲۱).

تحقیقات اخیر نشان داده‌اند که افرادی که دچار شکل‌های مختلف پیشانی روان‌شناختی هستند، در اغلب موارد سبک‌های نایمن دلبستگی را از خود گزارش می‌دهند. به‌عنوان نمونه، فری و بیزلی (۲۲) در مطالعه خود نشان دادند که دلبستگی والدینی کمتر، سطوح بالاتر پیشانی روان‌شناختی را در زنان و مردان پیش‌بینی می‌کند. توران و اردر-بیکر (۹) بین مدل‌های خود و دیگری از دلبستگی و نشانه‌های روان‌شناختی رابطه معنادار یافتند. کوروک و همکاران (۱۲) سبک‌های دلبستگی والدینی را بر اضطراب، افسردگی، جسمانی‌سازی و خصومت مؤثر یافته‌اند. مک‌دونالد و همکاران (۱۴) بین اضطراب دلبستگی و اضطراب، افسردگی و استرس رابطه معنادار گزارش نمودند. در پژوهش‌های داخلی، کرمی و همکاران (۲۳)، بین ناگویی هیجانی با اضطراب دلبستگی<sup>۵</sup> و نیز اجتناب دلبستگی<sup>۶</sup> رابطه مثبت و معنادار گزارش نمودند.

در میان مطالعاتی که به بررسی رابطه بین دلبستگی و پیشانی روان‌شناختی پرداخته‌اند، برخی به بررسی مکانیسم-

1- psychological distress

2- general psychopathology

3- maladaptive psychological functioning

4- prevalence

5- attachment anxiety

6- attachment avoidance

(۱۴) در بزرگسالان و پنینگ و همکاران (۳۵) در کودکان و نوجوانان، بین دشواری در تنظیم هیجان و اضطراب، افسردگی و استرس، رابطه معناداری گزارش نمودند. به علاوه، تنظیم هیجان در مطالعاتی به‌عنوان متغیر میانجی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و پریشانی روان‌شناختی مورد بررسی قرار گرفته‌است. به‌عنوان مثال، در مطالعه پاسکوزو و همکاران (۲۶) نقش واسطه‌ای راهبردهای هیجان‌محور تنظیم هیجان در رابطه بین دلبستگی اضطرابی در اوایل بزرگسالی و روان‌آسیب‌شناسی بزرگسالی تأیید شد. بولر (۱۳) نیز در پژوهش خود از تنظیم هیجان به‌عنوان متغیر میانجی در رابطه بین اضطراب دلبستگی و پریشانی روان‌شناختی یاد نمود.

از مطالعه پژوهش‌های انجام‌شده، چنین به‌نظر می‌رسد که بین سبک‌های ناایمن دلبستگی و ابعاد مختلف پریشانی روان‌شناختی، ضمن در نظر گرفتن تنظیم شناختی هیجان به‌عنوان یک مکانیسم واسطه‌ای یا تعدیل‌کننده، رابطه وجود دارد. با توجه به پژوهش‌های اشاره‌شده، متغیر تنظیم شناختی هیجان به‌عنوان یک متغیر واسطه‌ای در رابطه بین سبک‌های ناایمن دلبستگی و ابعاد مختلف پریشانی روان‌شناختی، می‌تواند بر میزان تبیین واریانس پریشانی روان‌شناختی مؤثر افتد. باید توجه داشت که هر نوع مداخله‌ای در مورد میزان پریشانی روان‌شناختی افراد، علاوه بر جنبه پیشگیرانه‌ای که در وقوع اختلالات روانی دارد، به بهبود کیفیت زندگی و سطح بهزیستی روان‌شناختی نیز کمک می‌کند، برای اعمال اقدامات مؤثرتر، اقتصادی‌تر و پذیرفتنی‌تر برای مبتلایان به پریشانی روان‌شناختی، بهتر است مداخلاتی پیشنهاد شود که همزمان با هدف قرار دادن چند سازه اثرگذار بر پریشانی روان‌شناختی، ما را در چنین فرآیند مهمی یاری نماید. مبنای کار اغلب این اقدامات مداخله‌ای، مدل‌های مفهومی برآمده از پژوهش‌ها بوده‌اند که در نمونه‌های مورد مطالعه، برازش مناسبی را نشان داده‌اند. بنابراین، به‌منظور تصریح تأثیر سبک‌های دلبستگی و تنظیم شناختی هیجان بر پریشانی روان‌شناختی، می‌توان با ارائه مدلی، تبیین این مسیر ارتباطی را میسر ساخت. مرور پیشینه‌های داخلی نشان می‌دهد که رابطه بین دلبستگی با پریشانی روان‌شناختی، اغلب به‌طور مستقیم و بی‌واسطه

هایی اشاره داشته‌اند که احتمالاً از طریق آن‌ها، میزان تأثیر سبک‌های دلبستگی بر پریشانی روان‌شناختی تغییر می‌کند. از این مطالعات، به‌عناصری چون تنظیم هیجان (۱۳، ۲۴-۲۶) نظر افکنده‌اند. هیجان نقش مهمی در جنبه‌های مختلف زندگی مانند سازگاری با تغییرات زندگی و رویدادهای تنیدگی‌زا ایفا می‌کند (۲۷). تنظیم هیجان شامل طیف گسترده‌ای از راهبردهای شناختی و رفتاری است که جهت کاهش، حفظ و یا افزایش یک هیجان صورت می‌گیرد. به‌بیانی دیگر، تنظیم هیجان، مجموعه فرآیندهایی را در بر می‌گیرد که از طریق آن، فرد می‌تواند در این‌که چه هیجان‌داری داشته‌باشد، چه وقت آن‌ها را داشته‌باشد و چگونه آن‌ها را تجربه کند یا به‌نمایش گذارد، مؤثر افتد (۲۸). نقص در تنظیم هیجان بر طیف گسترده‌ای از اختلالات روانی اثرگذار است (۲۹). به‌بیانی دیگر، تنظیم هیجان نقش مهمی در دامنه گسترده‌ای از پیامدهای روان‌شناختی ایفا می‌کند و نقص در آن، با اختلالاتی مانند افسردگی، اضطراب، وسواس (۳۰)، اختلال استرس پس از ضربه (۳۱) و انزوای اجتماعی و مسائل برون‌سازی‌شده مانند بزهکاری و رفتارهای پرخطر ارتباط دارد. ون‌درمیر و همکاران (۲۵) از همراهی اضطراب دلبستگی و تنظیم فاجعه‌سازی‌شده هیجان در افرادی گزارش نمودند که درجات بالایی از پریشانی را اعلام داشته بودند. گارنفسکی (۲۷) در مطالعه خود، راهبردهای تنظیم شناختی هیجان را در گزارش نشانه‌های افسردگی حائز اهمیت دانست. مارتین و دن (۳۲) رابطه بین تنظیم شناختی هیجان را علاوه بر افسردگی، اضطراب استرس، با راهبردهای درونی و بیرونی در ابراز و کنترل خشم نیز مورد بررسی قرار داد. روابط یادشده، اغلب معنادار به‌دست آمدند. گراتس و گاندرسون (۳۳) در بررسی تأثیر مداخلات مربوط به تنظیم هیجان مبتنی بر پذیرش بر آسیب به خود در زنان مبتلا به اختلال شخصیت مرزی، این مداخلات را بر بدتنظیمی هیجان، اجتناب تجربه‌ای و رفتار آسیب به خود و نیز نشانه‌های افسردگی، اضطراب و استرس مؤثر یافتند. آلدو و همکاران (۳۴) علاوه بر این‌که وجود رابطه بین راهبردهای تنظیم هیجان و آسیب‌شناسی روانی را گزارش نمودند، بین راهبردهای تنظیم هیجان با اختلالات درونی‌سازی‌شده، ارتباط پایدارتری نسبت به اختلالات برونی‌سازی‌شده یافتند. مک‌دونالد و همکاران

مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که آیا الگوی طراحی‌شده در مورد تأثیر دل‌بستگی بر پریشانی روان-شناختی با توجه به نقش تنظیم شناختی هیجان در نمونه‌های غیربالینی ایرانی از برازش مناسبی برخوردار است؟

مورد مطالعه قرار گرفته‌است و نقش مکانیسم‌های واسطه-ای مؤثر بر این رابطه بررسی نگردیده‌است. با عنایت به وابسته به فرهنگ بودن سازه دل‌بستگی (۳۶) و احتمال دستیابی به نتایج مختلف در نمونه‌ها و فرهنگ‌های متفاوت در مطالعه این متغیر و با توجه آن‌چه از نظر گذرانده‌شد،



نمودار (۱) مدل مفهومی پژوهش

دامنه سنی بین ۱۸ تا ۲۵ سال. ملاک خروج نیز عبارت بود از: عدم تمایل به مشارکت در پژوهش، مشکلات حسی و حرکتی، مشکلات درونی شدید مانند روان‌پریشی، اختلالات خلقی و شخصیت. علاوه بر ملاک‌های ورود و خروج برای شرکت‌کنندگان، کدهای مربوط به رضایت شرکت‌کنندگان و همچنین رازداری درباره نتایج هر یک از آنها که در ضوابط اخلاقی انجمن روانپزشکی آمریکا<sup>۵</sup> درج شده‌اند، رعایت گردید.

ترکیب نمونه پژوهش حاضر، به شرح زیر است: ۱۲۴ نفر (۴۱/۳٪) از میان دانشجویان دانشکده علوم انسانی، ۶۳ نفر (۲۱٪) از میان دانشجویان دانشکده علوم پایه، ۵۴ نفر (۱۸٪) از دانشجویان دانشکده فنی و مهندسی، ۲۳ نفر (۷/۷٪) از دانشجویان دانشکده پزشکی، ۲۰ نفر (۶/۷٪) از دانشجویان دانشکده دندانپزشکی و ۱۶ نفر (۵/۳٪) از دانشجویان دانشکده پرستاری و مامایی مشغول به تحصیل بوده‌اند. بر اساس روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، تا حد امکان نسبت تعداد دانشجویان آن دانشکده در مقایسه با جمعیت کل دانشگاه در تعداد افراد انتخاب‌شده از هر دانشکده، به‌طور تقریبی و با توجه به ملاحظات عملی اجرای پژوهش، رعایت گردد.

## روش

**طرح پژوهش:** پژوهش حاضر، از نوع پژوهش‌های همبستگی با استفاده از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM)<sup>۱</sup> است.

**آزمودنی‌ها:** جامعه آماری، شامل دانشجویان مقطع کارشناسی و دکتری حرفه‌ای (کارشناسی ارشد پیوسته) دانشگاه شاهد در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ بوده است. بنا به پیشنهاد دیامانتوپولوس<sup>۲</sup> و سیگاو<sup>۳</sup> (۳۷) مینی بر ۲۰۰ نفر به عنوان حداقل حجم نمونه معتبر<sup>۴</sup> برای مطالعات مربوط به مدل‌سازی معادلات ساختاری، نمونه پژوهش حاضر در برگیرنده ۳۰۰ نفر از دانشجویان مقطع کارشناسی و دکتری حرفه‌ای (کارشناسی ارشد پیوسته گروه‌های علوم پزشکی) رشته‌های پزشکی و دندانپزشکی - مشغول به تحصیل در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ در دانشگاه شاهد بوده‌است که به‌روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. جهت نمونه‌گیری بر اساس روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای، پس از اخذ تعداد دانشجویان مشغول به تحصیل در دانشکده‌های دانشگاه شاهد، بر اساس فراوانی نسبی دانشجویان هر دانشکده، تعداد دانشجویان مورد نیاز از هر دانشکده برای نمونه محاسبه گردید. سپس کلاس‌هایی از هر دانشکده به‌طور تصادفی انتخاب و پرسشنامه‌های مورد استفاده در پژوهش حاضر، روی آنها اجرا گردید. ملاک‌های ورود شرکت‌کنندگان در پژوهش عبارت بودند از: تحصیل در مقطع کارشناسی و دکتری حرفه‌ای، رضایت به شرکت در مطالعه، داشتن زمان کافی برای پاسخ به پرسشنامه‌ها و

1- Structural Equation Modeling (SEM)  
 2- Diamantopoulos, A.  
 3- Siguaw, J.A.  
 4- reliable  
 5- American Psychiatric Association (APA)

## ابزار

۱- پرسشنامه تجارب روابط نزدیک<sup>۱</sup> (ECR-R): مقیاس تجارب روابط نزدیک توسط برنان و همکاران (۲۰) برای سنجش اضطراب دلبستگی<sup>۲</sup> و اجتناب دلبستگی<sup>۳</sup> ساخته شد. این پرسشنامه بر پایه نظریه بارثولومئو در زمینه سبک‌های چهارگانه دلبستگی طراحی شده است (۳۷). این پرسشنامه، توسط فرالی و همکاران و در سال ۲۰۰۰ مورد بازنگری قرار گرفت (۳۸). این پرسشنامه دارای ۳۶ ماده است همگی بر روی مقیاس ۷ درجه‌ای لی‌کرت از دامنه ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۷ (کاملاً موافقم) مورد نمره‌گذاری قرار می‌گیرد. ۱۸ ماده آن، مربوط به محور اضطراب و ۱۸ ماده دیگر، مربوط به محور اجتناب هستند. نمرات بالاتر، نشان‌دهنده سطح بالاتری از اضطراب و اجتناب هستند. پژوهش‌های خارجی انجام‌شده در زمینه بررسی ویژگی‌های روانسنجی این پرسشنامه، روایی و اعتبار مناسبی را گزارش می‌کنند (۲۰، ۳۹، ۴۰). در پژوهش‌های داخلی، پناغی و همکاران (۴۱) ضمن گزارش مدل دو عاملی اجتناب و اضطراب، ضریب همسانی درونی دو بعد اجتناب و اضطراب را به ترتیب ۰/۸۰ و ۰/۸۹ و ضریب اعتبار بازآزمون را با فاصله دو هفته را به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۷۱ و ۰/۸۹ گزارش کردند. روایی همگرایی آزمون با استفاده از خرده‌مقیاس‌های افسردگی و اضطراب DASS-21، پرسشنامه عزت‌نفس روزنبرگ و خرده‌مقیاس برون‌گرایی پرسشنامه NEO-FFI، به این ترتیب گزارش شد که بین اضطراب دلبستگی با اضطراب، افسردگی و عزت‌نفس به ترتیب، ۰/۴۵، ۰/۵۱ و ۰/۴۴- و بین اجتناب دلبستگی با برون‌گرایی ۰/۳۸- (همگی در سطح ۰/۰۱، معنادار) رابطه معنادار وجود دارد.

۲- پرسشنامه افسردگی، اضطراب و استرس<sup>۴</sup> (DASS-21): مقیاس افسردگی، اضطراب و استرس در خلال پژوهشی (۱۹۷۹-۱۹۹۰) با هدف ایجاد پرسشنامه‌ای برای سنجش متغیرهای یادشده، توسط لوی‌باند و در سال ۱۹۸۳، تحت عنوان DASS-42 معرفی شد. به دلیل ضعف‌های موجود در DASS-42، آنتونی و همکاران (۴۲) طی تلاش خود، آزمون DASS-21 را ساختند که هر سه خرده‌مقیاس فرم قبلی را دارا بود و برای هر یک ۷ ماده دربرداشت. نمره-گذاری این آزمون در دامنه‌ای از ۰ (اصلاً) تا ۳ (خیلی زیاد) صورت می‌گیرد. از این مقیاس، در مطالعات روانسنجی

خارجی (۴۲-۴۴) و داخلی (۴۵، ۴۶)، ویژگی‌های روانسنجی مناسبی گزارش شده است. در میان مطالعات داخلی، اصغری‌مقدم و همکاران (۴۶) در بررسی ویژگی‌های روانسنجی DASS-21، اعتبار این مقیاس را به روش بازآزمایی با فاصله سه هفته، برای خرده‌مقیاس‌های افسردگی، اضطراب و استرس به ترتیب، ۰/۸۴، ۰/۸۹ و ۰/۹۰ و به روش همسانی درونی (آلفای کرونباخ) به ترتیب ۰/۹۳، ۰/۹۰ و ۰/۹۲ گزارش نموده‌اند. در سنجش روایی سازه آزمون، با استفاده از مقیاس BDI و پرسشنامه چهارسامانه‌ای اضطراب، تمامی ضرایب همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنادار بوده و بالاترین میزان همبستگی‌ها برای افسردگی، اضطراب و استرس به ترتیب ۰/۷۶، ۰/۷۰ و ۰/۶۴ گزارش شدند.

۳- فرم کوتاه پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان<sup>۵</sup> (CERQ-S): نسخه اصلی پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان (CERQ) توسط گارنفسکی و همکاران در سال ۲۰۰۱ ساخته شد (۴۷). این پرسشنامه، یک ابزار چندبعدی است که جهت شناسایی راهبردهای مقابله‌ای شناختی افراد پس از تجربه موقعیت‌های منفی مورد استفاده قرار می‌گیرد. نسخه اصلی CERQ دارای ۳۶ گویه است و از ۹ خرده‌مقیاس تشکیل شده است. فرم کوتاه این پرسشنامه، توسط گارنفسکی و کرایچ در سال ۲۰۰۶ معرفی شد (۴۸). فرم کوتاه CERQ، ۱۸ مقیاس را در بر دارد و همانند نسخه اصلی، از ۹ زیرمقیاس تشکیل شده است. این زیرمقیاس‌ها، راهبردهای شناختی به‌شمار می‌روند و شامل سرزنش خویش<sup>۶</sup>، پذیرش<sup>۷</sup>، نشخوارگری<sup>۸</sup>، تمرکز مجدد مثبت<sup>۹</sup>، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی<sup>۱۰</sup>، ارزیابی مجدد مثبت<sup>۱۱</sup> دیدگاه‌گیری<sup>۱۲</sup>، فاجعه‌سازی<sup>۱۳</sup> و سرزنش دیگران<sup>۱۴</sup> هستند.

1- Experiences of Close Relationship – Revised (ECR-R)

2- attachment anxiety

3- attachment avoidance

4- Depression, Anxiety and Stress Scale-21 (DASS-21)

5- Cognitive Emotion Regulation Questionnaire-Short form (CERQ-S)

6- self-blame

7- acceptance

8- rumination

9- positive refocusing

10- planning

11- positive reappraisal

12- putting into perspective

13- catastrophizing

14- other-blame

هیجان در رابطه بین دلبستگی و پریشانی روانشناختی، از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری با بهره‌گیری از نرم‌افزار AMOS-18 استفاده شد. برای آزمون معناداری اثر واسطه‌ای متغیر تنظیم شناختی هیجان، از روش بوت استرپ<sup>۳</sup> نیز استفاده گردید.

### یافته‌ها

نتایج مندرج در جدول ۲ نشان می‌دهد که همبستگی‌های بین متغیرهای پژوهش حاضر، اغلب معنادار هستند. با توجه به یافته‌های مربوط به همبستگی‌های به‌دست‌آمده از رابطه دویه‌دوی متغیرهای با یکدیگر، چون رابطه بین زیرمقیاس راهبردهای انطباقی تنظیم شناختی هیجان با متغیرهای پیش‌بین پژوهش (اضطراب دلبستگی و اجتناب دلبستگی) و نیز متغیرهای ملاک (اضطراب، افسردگی و استرس) غیرمعنادار به‌دست آمد، از وارد کردن این متغیر به مدل پیشنهادی، صرف‌نظر شد (۵۱). بنابراین، در مدل پیشنهادی پژوهش حاضر، متغیرهای اضطراب دلبستگی و اجتناب دلبستگی به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین و متغیرهای اضطراب، افسردگی و استرس به‌عنوان متغیرهای ملاک و راهبردهای غیرانطباقی تنظیم شناختی هیجان به‌عنوان متغیر واسطه‌ای مورد بررسی قرار گرفت.

در مدل پیشنهادی، به‌دلیل کوچک بودن زیرمقیاس‌های نه‌گانه تنظیم شناختی هیجان (هریک در برگیرنده دو گویه بوده‌اند)، عوامل راهبردهای انطباقی و غیرانطباقی تنظیم شناختی هیجان به‌عنوان متغیرهای واسطه‌ای مد نظر قرار گرفتند و در پی بررسی همبستگی‌ها، عامل راهبردهای غیرانطباقی تنظیم شناختی هیجان به‌عنوان متغیر واسطه‌ای در نظر گرفته شد و عامل راهبردهای انطباقی تنظیم شناختی هیجان، به‌دلیل عدم برخورداری از همبستگی معنادار با متغیرهای پیش‌بین (اضطراب دلبستگی و اجتناب دلبستگی) و متغیرهای ملاک (اضطراب، افسردگی و استرس) وارد مدل پیشنهاد شده اولیه نگردید.

نمره‌گذاری هر گویه در طیف پنج نقطه‌ای لیکرت از ۱ (تقریباً هرگز) تا ۵ (تقریباً همیشه) صورت می‌گیرد (۴۹). افزون بر زیرمقیاس‌های نه‌گانه که مشترکاً در هر دو نسخه وجود دارد، در فرم کوتاه، دو راهبرد کلی انطباقی<sup>۱</sup> و غیرانطباقی<sup>۲</sup> نیز برداشت می‌شود. برای محاسبه راهبردهای انطباقی، میانگین نمرات زیرمقیاس‌های دیدگاه‌گیری، تمرکز مجدد مثبت، ارزیابی مجدد مثبت، پذیرش و تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی، و برای محاسبه راهبردهای غیرانطباقی، میانگین نمرات زیرمقیاس‌های سرزنش خویش، سرزنش دیگران، نشخوارگری و فاجعه‌سازی در نظر گرفته می‌شود (۵۰). در واری و ویژگی‌های روانسنجی CERQ-S، گارنفسکی و کرایج (۴۸) ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه را بین ۰/۸۱ برای ارزیابی مجدد مثبت و فاجعه‌سازی و ۰/۶۸ برای ملامت خویش، و روایی بیرونی آن را با استفاده از زیرمقیاس‌های اضطراب و افسردگی سیاهه نشانه‌های روان‌شناختی (SCL-90-R) بین ۰/۲۱ تا ۰/۵۵، در سطح ۰/۰۰۱ معنادار گزارش نمودند. نسخه فارسی این پرسشنامه طی مطالعه هنجاریابی حسنی (۴۹) ضریب آلفای کرونباخ بین ۰/۷۶ تا ۰/۹۲، ضریب بازآزمایی بین ۰/۵۱ تا ۰/۷۷ و همبستگی درونی با زیرمقیاس‌های دیگر پرسشنامه در سطح ۰/۰۰۱ بین ۰/۳۱ تا ۰/۶۳ از خود نشان داد.

**روند اجرای پژوهش:** پس از هماهنگی‌های لازم با مسئولان دانشگاه شاهد و از اخذ تعداد دانشجویان مشغول به‌تحصیل در دانشکده‌های دانشگاه، بر اساس نسبت دانشجویان هر دانشکده، تعداد دانشجویان مورد نیاز از هر دانشکده برای نمونه محاسبه گردید. سپس کلاس‌هایی از هر دانشکده به‌طور تصادفی از فهرست کلاس‌های درحال-برگزاری در هر دانشکده انتخاب شد. پس از هماهنگی و جلب همکاری اساتید مربوط به کلاس‌های انتخاب‌شده، پرسشنامه‌های مورد استفاده در پژوهش حاضر، از سوی دانشجویان هر کلاس، با رعایت ملاک‌های ورود و خروج شرکت‌کنندگان تکمیل گردید.

**شیوه تحلیل داده‌ها:** در این پژوهش، به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، علاوه بر استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی و ضرایب همبستگی با استفاده از SPSS-23، برای بررسی نقش واسطه‌ای متغیرهای تنظیم شناختی

1- adaptive strategies  
2- maladaptive strategies  
3- Boot-strapping

جدول (۱) شاخص‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه در تحقیق حاضر

متغیر	شاخص		
	میانگین	انحراف معیار	کمینه نمره‌ها
دلبستگی	۳/۶۰	۱/۲۰	۶/۴۴
	۳/۰۲	۰/۹۲	۶/۴۶
تنظیم شناختی هیجان	۶/۲۰	۲/۱۱	۱۰/۰۰
	۵/۹۶	۱/۷۷	۱۰/۰۰
	۴/۰۸	۱/۸۲	۱۰/۰۰
	۴/۷۰	۱/۶۸	۱۰/۰۰
	۵/۲۴	۲/۱۷	۱۰/۰۰
	۵/۲۶	۲/۰۵	۱۰/۰۰
	۶/۹۰	۱/۸۰	۱۰/۰۰
	۶/۸۷	۲/۱۱	۱۰/۰۰
	۶/۳۳	۲/۰۰	۱۰/۰۰
	۳/۰۶	۰/۶۳	۴/۹۰
	۲/۶۲	۰/۶۱	۴/۳۸
	۳/۱۸	۳/۲۷	۱۶/۰۰
پریشانی روان‌شناختی	۴/۰۴	۳/۵۶	۲۰/۰۰
	۵/۵۴	۳/۹۲	۲۰/۰۰

جدول (۲) ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	اضطراب	اجتناب	ملاحت خویش	تسخیر غمی	قاجحه سازی	ملاحت دیگران	پذیرش	تمرکز مجدد مثبت	تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی	ارزیابی مجدد مثبت	دیدگاه پذیرش	راهبرد انطباقی	راهبرد غیرانطباقی	اضطراب	افسردگی	استرس
اضطراب	۱															
اجتناب	۰/۱۷***	۱														
سرزنش خویش	۰/۱۱	۰/۱۲	۱													
تسخیر غمی	۰/۱۵**	۰/۰۷	۰/۲۰**	۱												
قاجحه‌سازی	۰/۲۱**	۰/۱۴*	۰/۲۲**	۰/۲۰**	۱											
سرزنش دیگران	۰/۱۸**	۰/۰۱	۰/۱۹**	۰/۱۳*	۰/۲۳**	۱										
پذیرش	۰/۱۹**	۰/۰۹	۰/۲۴**	۰/۲۴**	۰/۲۴**	۰/۲۱**	۱									
تمرکز مجدد مثبت	۰/۰۸	۰/۱۴*	۰/۰۹	۰/۰۸	۰/۰۶	۰/۱۱	۰/۰۶	۱								
تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی	۰/۲۴**	۰/۰۵	۰/۱۳*	۰/۰۷	۰/۱۴*	۰/۰۷	۰/۰۱	۰/۲۳**	۱							
ارزیابی مجدد مثبت	۰/۱۱	۰/۱۱	۰/۱۴*	۰/۱۶**	۰/۱۲*	۰/۰۴	۰/۰۴	۰/۱۲*	۰/۱۲**	۱						
دیدگاه‌گیری	۰/۰۴	۰/۰۵	۰/۲۰**	۰/۱۶**	۰/۰۱	۰/۰۲	۰/۱۶**	۰/۰۲	۰/۱۳**	۰/۱۳**	۱					
راهبرد انطباقی	۰/۰۶	۰/۰۶	۰/۲۶**	۰/۲۰**	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۲۴**	۰/۰۲	۰/۱۶**	۰/۱۶**	۰/۱۶**	۱				
راهبرد غیرانطباقی	۰/۲۸**	۰/۱۴*	۰/۲۶**	۰/۲۶**	۰/۲۶**	۰/۲۶**	۰/۲۶**	۰/۲۶**	۰/۲۶**	۰/۲۶**	۰/۲۶**	۰/۲۶**	۱			
اضطراب	۰/۲۶**	۰/۱۷**	۰/۲۲**	۰/۲۲**	۰/۲۲**	۰/۲۲**	۰/۲۲**	۰/۲۲**	۰/۲۲**	۰/۲۲**	۰/۲۲**	۰/۲۲**	۰/۲۲**	۱		
افسردگی	۰/۲۸**	۰/۱۵*	۰/۲۲**	۰/۲۲**	۰/۲۲**	۰/۲۲**	۰/۲۲**	۰/۲۲**	۰/۲۲**	۰/۲۲**	۰/۲۲**	۰/۲۲**	۰/۲۲**	۰/۲۲**	۱	
استرس	۰/۳۶**	۰/۱۰	۰/۱۹*	۰/۲۳**	۰/۲۳**	۰/۲۳**	۰/۲۳**	۰/۲۳**	۰/۲۳**	۰/۲۳**	۰/۲۳**	۰/۲۳**	۰/۲۳**	۰/۲۳**	۰/۲۳**	۱

جدول (۳) شاخص‌های برازش مدل پیشنهادشده اولیه

شاخص	$\chi^2$	df	X <sup>2</sup> /df	PGFI	PCFI	PNFI	RMSEA
مدل اولیه	۳۶۵۳/۸۳۰	۱۷۵۴	۲/۰۸۳	۰/۶۴۸	۰/۷۳۳	۰/۶۰۵	۰/۰۶۰ (۰/۰۵۷-۰/۰۶۳)

استرس ( $\beta=0/24, p<0/01$ )، مثبت و معنادار نشان می‌دهد. از طرفی اثر اجتناب دلبستگی بر اضطراب ( $p=0/21$ )، افسردگی ( $\beta=0/08, p=0/14$ )، استرس ( $\beta=0/10, p=0/14$ ) و استرس ( $\beta=0/55, p=0/04$ ) غیر معنادار به دست آمده است. با توجه به این که اثر اجتناب دلبستگی بر راهبردهای غیرانطباقی تنظیم شناختی هیجان نیز ( $\beta=0/11, p=0/17$ ) نیز غیر معنادار به دست آمده است، ضرورت اصلاح مدل را از طریق حذف متغیر اجتناب دلبستگی مطرح می‌سازد. اثر راهبردهای غیرانطباقی تنظیم شناختی هیجان بر اضطراب ( $\beta=0/43, p<0/01$ )، افسردگی ( $\beta=0/45, p<0/01$ )، استرس ( $\beta=0/38, p<0/01$ )، معنادار به دست آمد. با توجه به ضرورت حذف متغیر اجتناب دلبستگی به دلیل عدم معناداری مسیرهای مربوط به این متغیر در مدل پیشنهاد شده اولیه، هرچند شاخص‌های برازش به دست آمده از مدل اولیه نسبتاً قابل قبول به نظر می‌رسیدند، اصلاح مدل صورت گرفت. از این رو، مدل اصلاح شده نهایی با شاخص‌های برازش مندرج در جدول ۴ و نمای کلی آن در نمودار ۳ به دست آمد.

نتایج مندرج در جدول ۴ نشان می‌دهد که مدل پیشنهاد شده نهایی تحقیق حاضر از شاخص‌های برازش مناسبی برخوردار است. در مدل پیشنهاد شده، مقدار خی دوی نسبی ( $\chi^2/df=1/658$ )، کمتر از مقدار ۲ به دست آمده که بنا به نظر تباچنیک و فیدل (۵۳) برازش خوب مدل را نشان می‌دهد. هرچند اغلب شاخص‌های نیکویی برازش می‌بایست به ارزش‌هایی بیش از ۰/۹۰ دست یابند، برای تعیین برازش مدل با داده‌ها بر اساس شاخص‌های P ( $PGFI=0/721$ )،  $PCFI=0/822$  و  $PNFI=0/719$  مولایک و همکاران (۵۴) ارزش عددی بیشتر از ۰/۵۰ برای شاخص‌های برازش تطبیقی، شاخص نیکویی برازش و شاخص نیکویی برازش اصلاح شده توصیه کرده‌اند. دیامانتوپولوس و سیگاو (۵۶) اظهار داشته‌اند هرچه این مقادیر به ۱ نزدیک‌تر باشد،

بر اساس مفروضه‌های بنیادی مدلیابی معادلات ساختاری، بهنجار بودن<sup>۱</sup> متغیرهای پژوهش از طریق بررسی مقادیر پرت<sup>۲</sup> بررسی شد. وجود داده‌های پرت با استفاده از فاصله ماهالانوبیس<sup>۳</sup> بررسی شد و نقطه دورافتاده‌ای در داده‌ها مشاهده نگردید. به علاوه، سنجش بهنجاری داده‌ها، با در نظر گرفتن شاخص‌های کجی<sup>۴</sup> و کشیدگی<sup>۵</sup> نیز صورت گرفت. با توجه به دامنه قابل قبول بین ۲- تا ۲+ برای کجی و کشیدگی جهت بهنجار دانستن متغیرها، هرچند نقض فرض بهنجاری توزیع متغیرها در نمونه‌های بزرگ‌تر از ۲۰۰ نفر، بدون اثر معنادار بر نتایج پژوهش - قابل اغماض بیان شده است (۵۲)، مقادیر کجی و کشیدگی هر یک از متغیرها بررسی شد و مشاهده گردید که این شاخص‌ها برای تمامی متغیرهای پژوهش در دامنه ۲- تا ۲+ قرار دارند.

هرچند نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که شاخص‌های برازش مدل پیشنهاد شده اولیه، برازش مناسبی را نشان می‌دهند، مسیرهای بین اجتناب دلبستگی - راهبردهای غیرانطباقی تنظیم هیجان، اجتناب دلبستگی - اضطراب، اجتناب دلبستگی - افسردگی و اجتناب دلبستگی - استرس غیر معنادار به دست آمدند. به تعبیری، گرچه مقدار خی دوی نسبی ( $\chi^2/df=2/083$ )، در حدود مقدار پیشنهادی تاباکنیک و فیدل (۵۳) جهت استنباط برازش خوب مدل (مقداری پیشنهادی ۲) به دست آمد، مقادیر شاخص‌های برازش شاخص نیکویی برازش مقتصد<sup>۶</sup> ( $PGFI=0/648$ )، شاخص تطبیقی برازش مقتصد<sup>۷</sup> ( $PCFI=0/733$ ) و شاخص هنجار شده برازش مقتصد<sup>۸</sup> ( $PNFI=0/605$ ) (شاخص‌های مقتصد P) در مدل نیز بیشتر از حداقل مقدار پیشنهادی ۰/۵۰ که توسط مولایک و همکاران (۵۴) توصیه کرده‌اند، به دست آمده و از این رو قابل قبول است، و مقدار ریشه میانگین مربعات خطای برآورد<sup>۹</sup> ( $RMSEA$ ) نیز برابر با مقدار پیشنهاد شده از سوی هو و بنتلر (۵۵) به دست آمد، به دلیل عدم معناداری مسیرهای مربوط به متغیر اجتناب دلبستگی به عنوان یکی از متغیرهای پیش‌بین، اصلاح مدل ضروری به نظر می‌رسد. نمودار ۲، مدل پیشنهادی اولیه تحقیق حاضر را نشان می‌دهد. مسیرهای غیر معنادار، به صورت خط چین (- - -) مشخص شده‌اند.

نمودار ۲، مسیرهای مربوط به اثر اضطراب دلبستگی را ( $\beta=0/19, p<0/05$ )، افسردگی ( $\beta=0/23, p<0/01$ ) و

1- normality

2- outlier

3- Mahalanobis distance

4- skewness

5- kurtosis

6- Parsimonious Goodness of Fit Index (PGFI)

7- Parsimonious Comparative Fit Index (PCFI)

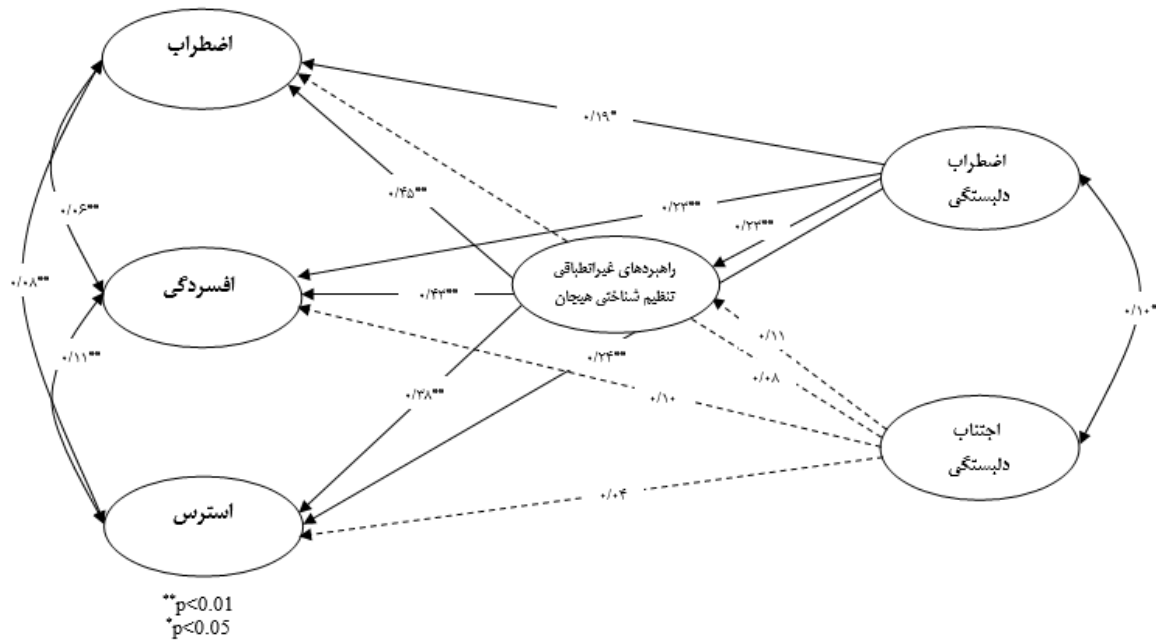
8- Parsimonious Normed Fit Index (PNFI)

9- Root Mean Square Error Approximation

(RMSEA)



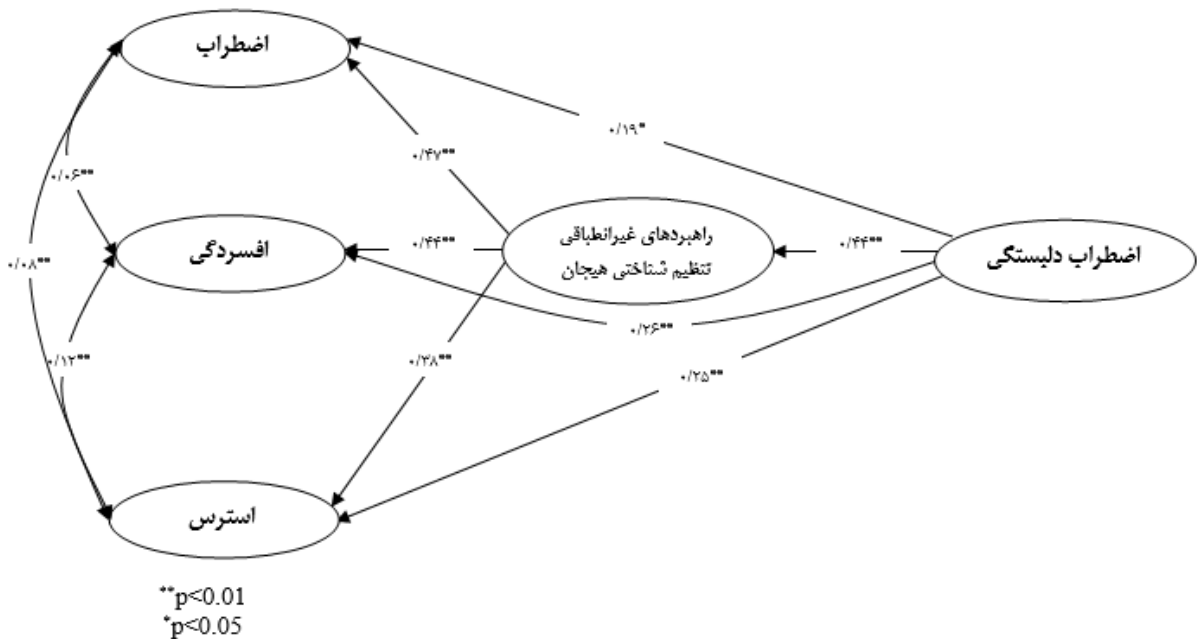
وضعیت مطلوب‌تری را از برازش مدل نشان می‌دهد. هم-چنین مقدار کمتر از ۰/۰۶ (RMSEA=۰/۰۴۷) برای شاخص RMSEA، برخورداری مدل را از برازش مناسب نشان می‌دهد(۵۵). شکل ۲، مدل نهایی تحقیق حاضر را نشان می‌دهد.



نمودار ۲) نتایج تحلیل مدل اولیه پژوهش

جدول ۴) شاخص‌های برازش مدل پیشنهادشده نهایی

شاخص	$\chi^2$	df	X <sup>2</sup> /df	PGFI	PCFI	PNFI	RMSEA
مدل نهایی	۱۳۶۴/۶۴۶	۸۲۳	۱/۶۵۸	۰/۷۲۱	۰/۸۲۲	۰/۷۱۹	۰/۰۴۷ (۰/۰۴۲-۰/۰۵۱)



نمودار ۳) مدل اصلاح‌شده پژوهش

جدول ۵) اثرهای استاندارد مستقیم، غیرمستقیم و کلی متغیر پیش‌بین و متغیر واسطه‌ای بر متغیرهای ملاک

اثرات						متغیرها	
معناداری	کل	معناداری	غیرمستقیم	معناداری	مستقیم	متغیر پیش‌بین / واسطه‌ای	متغیر ملاک
۰/۰۰۰۱	۰/۴۰	۰/۰۰۰۱	۰/۲۰	۰/۰۱۷	۰/۱۹	اضطراب دل‌بستگی	پیش‌بین
						راهبردهای غیرانطباقی تنظیم شناختی هیجان	واسطه‌ای
۰/۰۰۰۱	۰/۴۵	۰/۰۰۰۱	۰/۱۹	۰/۰۰۳	۰/۲۶	اضطراب دل‌بستگی	پیش‌بین
						راهبردهای غیرانطباقی تنظیم شناختی هیجان	واسطه‌ای
۰/۰۰۰۱	۰/۴۲	۰/۰۰۰۱	۰/۱۷	۰/۰۰۳	۰/۲۵	اضطراب دل‌بستگی	پیش‌بین
						راهبردهای غیرانطباقی تنظیم شناختی هیجان	واسطه‌ای

### بحث

یافته‌های تحقیق نشان دادند که اضطراب دل‌بستگی با تنظیم غیرانطباقی هیجان، اضطراب، افسردگی و استرس و همچنین راهبردهای غیرانطباقی تنظیم شناختی هیجان با اضطراب، افسردگی و استرس رابطه مثبتی دارند. این یافته‌ها همسو با یافته‌های مربوط به مطالعات این یافته‌ها همسو با نتایج مطالعات مک‌دونالد و همکاران، گارنفسکی (۲۷)، مارتین و دن (۳۲)، گراتس و گاندرسون (۳۳)، آلدو و همکاران (۳۴)، پیپینگ و همکاران (۳۵) و مک‌درموت و همکاران (۵۷) به دست آمد. البته رابطه بین راهبردهای انطباقی تنظیم شناختی هیجان با دو بعد اضطراب دل‌بستگی و اجتناب دل‌بستگی و همچنین با سه مؤلفه پریشانی روان‌شناختی، اضطراب، افسردگی و استرس، غیرمعنادار به دست آمد. از آن‌جا که در ادبیات پژوهشی اغلب سنجش جنبه‌های غیرانطباقی تنظیم هیجان صورت می‌گرفت، دستیابی به این یافته که راهبردهای غیرانطباقی تنظیم شناختی هیجان با اضطراب دل‌بستگی و اجتناب دل‌بستگی از یک سو، و با اضطراب، افسردگی و استرس از سوی دیگر رابطه معنادار نشان داده، از حمایت پژوهشی برخوردار است. تنظیم هیجان طیف گسترده‌ای از فرآیندهای درونی و بیرونی را در بر دارد که به منظور بازبینی، ارزیابی و تعدیل واکنش‌های هیجانی به کار گرفته می‌شوند (۵۸). از آن‌جا که ناتوانی در تنظیم هیجان و ناکارآمدی مکانیسم‌های مقابله با تجربه‌های هیجانی، زمینه‌های مختلف آسیب‌شناسی روانی را فراهم می‌کند (۲۷)، رابطه بین راهبردهای غیرانطباقی تنظیم شناختی هیجان با ابعاد پریشانی روان‌شناختی، هم‌چنان که در مطالعات

نمودار ۳، مسیرهای مربوط به اثر اضطراب دل‌بستگی را بر اضطراب ( $\beta=0/19, p<0/05$ )، افسردگی ( $\beta=0/26, p<0/01$ ) و استرس ( $\beta=0/25, p<0/01$ )، معنادار نشان می‌دهد. معناداری اثر راهبردهای غیرانطباقی تنظیم شناختی هیجان بر اضطراب ( $\beta=0/47, p<0/01$ )، افسردگی ( $p<0/01$ )،  $\beta=0/44$  و استرس ( $\beta=0/38, p<0/01$ )، اثر واسطه‌ای راهبردهای غیرانطباقی تنظیم شناختی هیجان را در رابطه بین اضطراب دل‌بستگی بر مؤلفه‌های پریشانی روان‌شناختی تأیید نمود. جهت بررسی نقش واسطه‌ای متغیر راهبردهای غیرانطباقی تنظیم شناختی هیجان، از روش بوت استرپ استفاده شد. جدول ۵، نتایج حاصل از بوت استرپ را نشان می‌دهد.

یافته‌های جدول ۵ نشان می‌دهد که علاوه بر اثرات مستقیم، اضطراب دل‌بستگی اثر غیرمستقیم نیز روی متغیرهای ملاک دارد. بدین نحو که اثر غیرمستقیم اضطراب دل‌بستگی بر اضطراب ( $\beta=0/20, p<0/0001$ )، افسردگی ( $\beta=0/17, p<0/0001$ ) و استرس ( $\beta=0/19, p<0/0001$ ) نیز معنادار شد. با توجه به معنادار شدن اثر کلی اضطراب دل‌بستگی بر اضطراب ( $\beta=0/40, p<0/0001$ )، افسردگی ( $\beta=0/45, p<0/0001$ ) و استرس ( $\beta=0/42, p<0/0001$ ) می‌توان گفت راهبردهای غیرانطباقی تنظیم شناختی هیجان به صورت مثبت و سهمی<sup>۱</sup> در رابطه بین اضطراب دل‌بستگی و مؤلفه‌های پریشانی روان‌شناختی (اضطراب، افسردگی و استرس) نقش واسطه‌ای ایفا می‌کند.

1- partial

دل‌بستگی، اهمیت دارد. در واقع پریشانی روان‌شناختی در فرد مبتلا به اضطراب دل‌بستگی، در صورت استفاده از راهبردهای غیرانطباقی هیجان، تشدید می‌گردد. یافته‌های پژوهش حاضر در این گام نیز با ادبیات پژوهشی مطالعه‌شده، مانند پاسکوزو و همکاران (۲۶)، بولر (۱۳) و پیکارد و همکاران (۱۵) همگرا بود. به‌عنوان نمونه، در مطالعه پاسکوزو و همکاران (۲۶) تأثیر دل‌بستگی نایمن نسبت به والدین بر نشانه‌های پریشانی در حضور متغیر تنظیم هیجان به‌دست آمد که نسبت به حالت تأثیر مستقیم یا همان غیاب متغیر واسطه‌ای تفاوت معنادار داشت. در مطالعه پیکارد و همکاران (۱۵)، ضریب استاندارد رگرسیون (بتا) تأثیر سبک‌های دل‌بستگی نایمن بر افسردگی، در هر سه سبک دل‌مشغول<sup>۱</sup>، بیمناک<sup>۲</sup> و بی‌تفاوت<sup>۳</sup> در حضور متغیر تنظیم هیجان نسبت به غیاب آن کاهش معنادار پیدا کرد. همگرایی یافته‌های تحقیق حاضر با ادبیات پژوهشی را نخست به این معنا می‌توان تبیین نمود که مدل پیشنهادی بر اساس پیشینه نظری و ادبیات پژوهشی تدوین شده‌است. دوم این‌که، این همگرایی، نابسستگی گویه‌های هر ابزار که متغیرهای مطالعه‌شده را می‌سنجیده‌اند، به فرهنگ و جهان شمول بودن تجربه‌هایی که در گویه‌های هر ابزار برای سنجش متغیر به‌آزمودنی‌ها ارائه شده‌است، را نیز مطرح می‌کند. با وجود همگرایی یافته‌های تحقیق حاضر با ادبیات پژوهشی، به دلیل مقطعی بودن پژوهش حاضر و پیروی آن از طرح توصیفی همبستگی، نمی‌توان از یافته‌های حاصل از آن، علیت را استنباط نمود؛ لذا پیشنهاد می‌گردد پژوهش‌های مشابهی با استفاده از روش‌هایی نظیر مطالعات آزمایشی صورت گیرد که قدرت بیشتری در استنباط علیت دارند. به علاوه، اجرای پژوهش، روی نمونه غیربالینی دانشجویی و با استفاده از ابزارهایی که تنها جنبه‌ای از سازه‌های مربوط به هر متغیر را می‌سنجیدند، هم امکان تعمیم یافته‌ها را به جوامع متنوع‌تر و جمعیت‌های بالینی محدود می‌سازد و هم احتمال دستیابی به نتایجی متفاوت در صورت استفاده از دیگر ابزارهای سنجش هر متغیر را مطرح می‌نماید. بنابراین، پیشنهاد می‌شود نمونه‌های متنوع‌تر و با استفاده از سایر ابزارهای موجود در سنجش متغیرهای پژوهش صورت گیرد.

مربوط به نمونه‌های مختلف مشاهده گردیده‌است، منطقی به نظر می‌رسد. با این وجود، بررسی وجود رابطه راهبردهای انطباقی تنظیم شناختی هیجان با دیگر متغیرهای پژوهش حاضر، مستلزم مطالعات بیشتر و بررسی‌های دقیق‌تری است. اضطراب دل‌بستگی به‌عنوان الگوی تمرکز بر دیگران، به‌میزانی از نگرانی شخص اشاره دارد که معطوف به دسترس‌ناپذیر بودن دیگران برای وی یا ترس از ترک و رها شدن توصیف می‌شود (۲۰). اجتناب دل‌بستگی به‌عنوان الگوی تمرکز بر خود، به دفاعی و طردکننده بودن فرد، عدم‌درگیری وی در روابط و عقب‌نشینی عاطفی اشاره دارد (۲۱).

از طرفی، رابطه بین اجتناب دل‌بستگی با ابعاد پریشانی روان‌شناختی در پژوهش حاضر نسبت به اضطراب دل‌بستگی به مراتب کمتر، در رابطه با افسردگی معنادار و در رابطه با اضطراب و استرس، غیرمعنادار به‌دست آمد. این تفاوت در مورد اجتناب دل‌بستگی در اغلب پژوهش‌های یاد شده نیز ملاحظه گردید. این امر ممکن است به دلیل سنجش جنبه‌های متفاوتی از اجتناب دل‌بستگی توسط گویه‌های ابزار مورد استفاده در پژوهش‌های انجام‌شده با استفاده از ECR-R باشد. یا احتمال دارد جایگاه اجتناب دل‌بستگی، نسبت به اضطراب دل‌بستگی در روابط عاطفی آزمودنی‌های مطالعات مختلف، وضوح کمتری داشته‌است. به‌طور کلی می‌توان گفت هم‌گرایی یافته‌های پژوهش حاضر با مطالعات انجام شده در نقاط مختلف جهان نشان می‌دهد دل‌بستگی به‌عنوان یک تجربه عاطفی جهان‌شمول، در صورت نایمن بودن، عامل مهمی در ابتلای فرد به پریشانی روان‌شناختی به‌شمار می‌رود. چنین دیدگاهی نسبت به دل‌بستگی به‌عنوان عاملی مؤثر بر عملکرد روان‌شناختی، می‌تواند قدرت دل‌بستگی را، خصوصاً در ابعاد نایمنی دل‌بستگی، در پیش‌بینی پریشانی روان‌شناختی و اثر بر آن، تبیین کند. همگرایی یافته‌های به‌دست‌آمده از پژوهش حاضر با سایر پژوهش‌ها، قابلیت تعمیم این دیدگاه را در نمونه‌های مختلف و جوامع متنوع نشان می‌دهد.

بررسی نقش واسطه‌ای راهبردهای غیرانطباقی تنظیم هیجان در رابطه بین اضطراب دل‌بستگی و مؤلفه‌های پریشانی روان‌شناختی در این تحقیق هم‌جهت با پیش‌بینی پژوهشگران، از نقش واسطه‌ای راهبردهای غیرانطباقی تنظیم شناختی هیجان حمایت می‌کند. بعبارتی با حضور راهبردهای غیرانطباقی تنظیم شناختی هیجان در افراد افزایش می‌یابد. می‌توان نتیجه گرفت که راهبردهای غیرانطباقی تنظیم شناختی هیجان در تبیین اضطراب در پریشانی روان‌شناختی توسط اضطراب

1- preoccupied  
2- fearful  
3- dismissive

depression. *Personality and Individual Differences*. 2016; 99: 179-83.

16- Zhu W, Wang CD, Chong CC. Adult attachment, perceived social support, cultural orientation, and depressive symptoms: A moderated mediation model. *Journal of counseling psychology*. 2016; 63(6): 645.

17- Cassidy J, Shaver PR. *Handbook of Attachment*. New York: Guilford Press. 1999.

18- Berk L. *Development through the Lifespan*. India: Pearson Education. 2017.

19- Bowlby J. Attachment and loss: Retrospect and prospect. *American journal of Orthopsychiatry*. 1982; 52(4): 664.

20- Brennan KA, Clark CL, Shaver PR. *Self-Report Measurement of Adult Attachment: An Integrative Overview*. New York: Guilford Press. 1998.

21- Simpson JA, Rholes WS, Oriña MM, Grich J. Working models of attachment, support giving, and support seeking in a stressful situation. *Personality and Social Psychology Bulletin*. 2002; 28(5): 598-608.

22- Frey LL, Beesley D, Miller MR. Relational health, attachment, and psychological distress in college women and men. *Psychology of Women Quarterly*. 2006; 30(3): 303-11.

23- Karami J, Yazdanbakhsh K, Karimi P. Mediating Role of Attachment Styles in Relationship between Temperament and Character Dimensions and Alexithymia. *Clinical Psychology*. 2016; 8: 61-71.

24- De Castella K, Goldin P, Jazaieri H, Ziv M, Dweck CS, Gross JJ. Beliefs about emotion: Links to emotion regulation, well-being, and psychological distress. *Basic and Applied Social Psychology*. 2013; 35(6): 497-505.

25- van der Meer LB, van Duijn E, Giltay EJ, Tibben A. Do attachment style and emotion regulation strategies indicate distress in predictive testing? *Journal of genetic counseling*. 2015; 24(5): 862-71.

26- Pascuzzo K, Moss E, Cyr C. Attachment and emotion regulation strategies in predicting adult psychopathology. *SAGE Open*. 2015; 5(3): 2158244015604695.

27- Garnefski N, Teerds J, Kraaij V, Legerstee J, van Den Kommer T. Cognitive emotion regulation strategies and depressive symptoms: Differences between males and females. *Personality and individual differences*. 2004; 36(2): 267-76.

28- Gross JJ, Muñoz RF. Emotion regulation and mental health. *Clinical psychology: Science and practice*. 1995; 2(2): 151-64.

29- Cloitre M, Cohen LR, Koenen KC. *Treating survivors of childhood abuse: Psychotherapy for the interrupted life*: Guilford Press. 2011.

30- Saeidpoor S, Kazemi-Rezai SA, Karbalaie-Esmaeil E, Kazemi-Rezai SV, Ahmadi F. Diagnostic role of cognitive emotion regulation strategies, cognitive fusion and thought control strategies in

## منابع

1- Ohayashi H, Yamada S. *Psychological distress: symptoms, causes, and coping*: Nova Science Publishers. 2012.

2- Abelloff M, Armitage J, Lichter A, Niederhuber J. *Clinical Oncology*. New York, NY: Churchill Livingstone. Inc. 2000.

3- Ridner SH. Psychological distress: concept analysis. *Journal of advanced nursing*. 2004; 45(5): 536-45.

4- Dohrenwend BS, Dohrenwend BP. Some issues in research on stressful life events. *Handbook of clinical health psychology*: Springer. 1982; 91-102.

5- L'Abate L. Programmed writing. *Research on Writing Approaches in Mental Health*. 2011; 23: 115.

6- Pearlin LI. The family as a context of the stress process. *Stress and health: Issues in research methodology*. 1987: 143-65.

7- Tasca GA, Kowal J, Balfour L, Ritchie K, Virley B, Bissada H. An attachment insecurity model of negative affect among women seeking treatment for an eating disorder. *Eating Behaviors*. 2006; 7(3): 252-7.

8- Shahyad S, Besharat MA, Asadi M, Alipour AS, Miri M. The relation of attachment and perceived social support with life satisfaction: structural equation model. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*. 2011; 15: 952-6.

9- Turan N, Erdur-Baker Ö. The contribution of rumination and internal working models of attachment to psychological symptoms. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*. 2010; 5: 1185-9.

10- Turan N, Hoyt WT, Erdur-Baker Ö. Gender, attachment orientations, rumination, and symptomatic distress: Test of a moderated mediation model. *Personality and Individual Differences*. 2016; 102: 234-9.

11- Ataefar R, Amiri S, Nadi MA. Investigating the Relationship between Effective Communication of Spouse and Father—Child Relationship (Test Pattern Causes to Education Parents). *International Education Studies*. 2016; 9(7): 98.

12- Körük S, Öztürk A, Kara A. The Predictive Strength of Perceived Parenting and Parental Attachment Styles on Psychological Symptoms among Turkish University Students. *International Journal of Instruction*. 2016; 9(2): 215-30.

13- Buller CJ. *Dispositional Mindfulness and Emotion Regulation as Mediators of Attachment and Psychological Distress Relationship*. Sydney: New Castle. 2015.

14- McDonald HM, Sherman KA, Petocz P, Kangas M, Grant K-A, Kasparian NA. Mindfulness and the experience of psychological distress: the mediating effects of emotion regulation and attachment anxiety. *Mindfulness*. 2016; 7(4): 799-808.

15- Pickard JA, Caputi P, Grenyer BF. Mindfulness and emotional regulation as sequential mediators in the relationship between attachment security and

- Construct validity and normative data in a large non-clinical sample. *British journal of clinical psychology*. 2005; 44(2): 227-39.
- 46- Sahebi A, Asghari MJ, Salari RS. Validation of depression anxiety and stress scale (DASS-21) for an Iranian population. *Iranian Psychologists*. 2005; 4(1): 299-313.
- 47- Asghari Moghadam M, Sa'ed F, Dibaj Nia P, Zangeneh J. Preliminary investigation of Validity and Reliability of Anxiety and Stress Depression Scales (DASS) in Non-Clinical Samples. *Daneshver e Raftar*. 2008; 38: 23-31.
- 48- Garnefski N, Kraaij V, Spinhoven P. Negative life events, cognitive emotion regulation and emotional problems. *Personality and Individual differences*. 2001; 30(8): 1311-27.
- 49- Garnefski N, Kraaij V. Cognitive emotion regulation questionnaire—development of a short 18-item version (CERQ-short). *Personality and individual differences*. 2006; 41(6): 1045-53.
- 50- Hassani J. The Investigation of Validity and Reliability of Short Form of Cognitive Emotion Regulation. *Behavioral Sciences Research*. 2011; 9: 229-40.
- 51- Besharat M. Cognitive Emotion Regulation Inventory. *Developmental Psychology: Iranian Psychologists*. 2016; 13: 221-3.
- 52- Pedhazur EJ, Schmelkin LP. Measurement, design, and analysis: An integrated approach: Psychology Press. 2013.
- 53- Abareshi A, Hosseini S. Structural Equation Modeling. Tehran: Jame'eh Shenasan. 2012.
- 54- Tabachnick BG, Fidell LS. Using multivariate statistics: Allyn & Bacon/Pearson Education. 2007.
- 55- Mulaik SA, James LR, Van Alstine J, Bennett N, Lind S, Stilwell CD. Evaluation of goodness-of-fit indices for structural equation models. *Psychological bulletin*. 1989; 105(3): 430.
- 56- Hu Lt, Bentler PM. Cutoff criteria for fit indexes in covariance structure analysis: Conventional criteria versus new alternatives. *Structural equation modeling: a multidisciplinary journal*. 1999; 6(1): 1-55.
- 57- McDermott MJ, Tull MT, Gratz KL, Daughters SB, Lejuez C. The role of anxiety sensitivity and difficulties in emotion regulation in posttraumatic stress disorder among crack/cocaine dependent patients in residential substance abuse treatment. *Journal of anxiety disorders*. 2009; 23(5): 591-9.
- 58- Thompson RA. Emotion regulation: A theme in search of definition. *Monographs of the society for research in child development*. 1994; 59(2-3): 25-52.
- Obsessive-Compulsive disorder. *Clinical Psychology*. 2017; 9: 1-11.
- 31- Mazloom M, Yaghubi H. Role of Emotion Regulation and Thought Control in Prediction of Post-Traumatic Stress Disorder. *Clinical Psychology*. 2017; 8: 1-10.
- 32- Martin RC, Dahlen ER. Cognitive emotion regulation in the prediction of depression, anxiety, stress, and anger. *Personality and individual differences*. 2005; 39(7): 1249-60.
- 33- Gratz KL, Gunderson JG. Preliminary data on an acceptance-based emotion regulation group intervention for deliberate self-harm among women with borderline personality disorder. *Behavior therapy*. 2006; 37(1): 25-35.
- 34- Aldao A, Nolen-Hoeksema S, Schweizer S. Emotion-regulation strategies across psychopathology: A meta-analytic review. *Clinical psychology review*. 2010; 30(2): 217-37.
- 35- Pepping CA, Duvenage M, Cronin TJ, Lyons A. Adolescent mindfulness and psychopathology: The role of emotion regulation. *Personality and Individual Differences*. 2016; 99: 302-7.
- 36- Mesman J, van IJzendoorn M, Sagi-Schwarz A. Cross-cultural patterns of attachment. *Handbook of Attachment: Theory, Research, and Clinical Applications*. 3th ed. New York: Guilford. 2016.
- 37- Diamantopoulos A, Sigauw JA. *Introducing LISREL: A guide for the uninitiated*: Sage; 2013.
- 38- Arefi M, Navvabi Nejad S, Shafi' Abadi A, Kiamanesh A. Attachment Styles, Gender, and Marital Satisfaction. *Educational Bulletin*. 2012 ;31: 117-32.
- 39- Fraley RC, Waller NG, Brennan KA. An item response theory analysis of self-report measures of adult attachment. *Journal of personality and social psychology*. 2000; 78(2): 350.
- 40- Fraley RC. Information on the Experiences in Close Relationships-Revised (ECR-R) adult attachment questionnaire. *Self Report Measures of Adult Attachment*. 2005.
- 41- Rotaru T-Ş, Rusu A. Psychometric properties of the Romanian version of Experiences in Close Relationships-Revised questionnaire (ECR-R). *Procedia-Social and Behavioral Sciences*. 2013; 78: 51-5.
- 42- Panaghi L, Maleki G, Zabih Zade A, Paosht Mohammadi M, Soltani Nejad Z. Validity, Reliability, and Factorial Structure of Experiences in Close Relationship (ECR). *Iran Psychiatry and Clinical Psychology*. 2013; 19: 305-13.
- 43- Antony MM, Bieling PJ, Cox BJ, Enns MW, Swinson RP. Psychometric properties of the 42-item and 21-item versions of the Depression Anxiety Stress Scales in clinical groups and a community sample. *Psychological assessment*. 1998; 10(2): 176.
- 44- Browne MW, Cudeck R. Alternative ways of assessing model fit. *Sage focus editions*. 1993; 154: 136.
- 45- Henry JD, Crawford JR. The short-form version of the Depression Anxiety Stress Scales (DASS-21):